

فرهنگستان

سه‌شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۴۱
<div><div><div></div></div></div>
<p>FARHIKHTEGANDAILY.COM</p>
<p>FARHIKHTEGANONLINE</p>

درباره بازی خطرناک با پاسخ ایران سوخت بنزین ماشین ترور نباشیم



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

ترور شهید سید حسن نصرالله، با واکنش همه چهره‌ها و سلایق سیاسی همراه شد و تقریباً هیچ شخصیت سیاسی‌ای باقی نماند که این اقدام را محکوم نکند اما سؤال اصلی این است که ایران به اقدام رژیم صهیونیستی پاسخ خواهد داد؟
دراین راستا **امرییس جمهور موضع صریحی** در واکنش به ترور سید حسن نصرالله نشان داد و به این موضوع اشاره کرد که هرچه در مقابل دشمن کوتاه بیایید، جری تر خواهد شد؛ اظهارنظری که نشان می داد موضع دولت همراستا با نظام حکمرانی است و در وهله دوم این سؤال را به وجود آورد که آیا قرار است ایران پاسخ قاطعی به اقدام رژیم صهیونیستی بدهد یا خیر؟

- فرصت دادن، دشمن را جری‌ترمی‌کند**

در بیش از یک‌سالگی که از شروع طوفان الاقصی می‌گذرد، در میان موضع‌گیری شخصیت‌ها و سلاایق سیاسی و مسئولان کشور، یک موضع واحد به چشم می‌خورد، آن‌هم محکومیت اقدام رژیم صهیونیستی و صحبت از مظلومیت فلسطین بود. این موضع واحد در زمان تشدید بحران ترورشخصیت‌های محور مقاومت مثل شهید اسماعیل هنیه، فؤاد شکر و سیدرضی پیرزنگ‌تر خود را نشان داد. ترور سید حسن نصرالله نیز بار دیگر منجر شد این صدانمود بیشتری در فضای سیاسی داشته باشد.
در این راستا اما موضع رؤسای قوا و به خصوص رئیس جمهور و وزیر خارجه در مورد این اتفاق می‌تواند به عنوان موضع رسمی ایران در رسانه‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد و در این راستا دولت می‌بایست زبان نظام حکمرانی کشور در جهان باشد. با در نظر گرفتن این موارد، رئیس جمهور روز گذشته مواضع صریحی در مورد ترور شهید سید حسن نصرالله گرفت و گفت: «به شهادت رساندن سید حسن نصرالله بار دیگر ثابت کرد این رژیم صهیونیستی چنانکه‌کار به هیچ یک از موازین و چهارچوب‌های بین‌المللی پایبندی ندارد.»
مسعود پزشکیان اد‌عای آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها را که تلاش کردند با اد‌عای به نتیجه رسیدن آتش‌بس، پاسخ ایران را به ترور شهید هنیه را به تعویق بیندازند، دروغ خواندند و گفت: «فرصت دادن به چنین جنایت‌کارانی صرفاً آنها را درازنکاب به جنایات بیشتر جری تر خواهد کرد.»
موضع‌گیری صریح رئیس جمهور در محکومیت اقدامات رژیم صهیونیستی در وهله اول نشان می‌داد که موضع دولت نیز همراستا با موضع نظام است و هم صدای واحد نظام حکمرانی را و هم موضع رسمی کشور از زبان رئیس جمهور را به جهان اعلام می‌دارد.
موضع‌گیری صریح رئیس جمهور در مواجهه با اقدامات رژیم صهیونیستی یک پیام مهم نیز در فضای سیاسی کشور به همراه دارد و آن هم اینکه در موضوعات منطقه‌ای و امنیتی که جزء خطوط قرمز نظام حکمرانی است، تفاوت سلایق سیاسی و جناحی موضوعیت خواهد از دست می‌دهند. موضوعی که برخی اظهار نظرهای برای محکوم کردن دولت به محافظه‌کاری در مواجهه با این اتفاق را عملیایی معنی می‌کند.

- مسائل مربوط به امنیت ملی مربوط به همه نظام است نه یکی از قوا**

عموما در بحران‌های امنیتی‌ای که در کشور رخ می‌دهد، لایه‌های نقدهایی که در مورد چرایی و چگونگی برخورد با یک بحران با ترور مطرح می‌شود، یک سمت انتقادات همواره متوجه دولت است. عموم انتقاد هانیز حول این موضوع است که دولت قاطعیت لازم در برخورد با اقداماتی را که از جانب رژیم صهیونیستی علیه ایران انجام می‌شود، نداشته است و با ترساندن افکار عمومی از احتمال وقوع جنگ، موضع‌گیری صریح را عقب می‌اندازد. در این راستا می‌بایست توجه داشت در موضوعاتی که پای امنیت ملی در میان است، نه موضع دولت که اصل بر موضع نظام حکمرانی است.
رئیس جمهور نیز به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی اگرچه در تصمیم‌گیری در مورد نوع مواجهه با بحران نقش مؤثری دارد اما تصمیم‌گیری نهایی همراستا با موضع نظام حکمرانی است. البته نگاه دولت به مسائل و بحران‌ها می‌تواند در شدت و ضعف برخی تصمیمات اثرگذار باشد اما همه بار تصمیم کشور در این موضوع بردوش دولت نیست. سؤالی که وجود دارد این است که نقش دولت در برخورد با

پرسش از سیاستگذاری‌ها آری، بازی در پازل نتانیاهو نه!

بازی بلاگرهای سیاسی با امنیت ملی

شرایط نه تنها به معنای حمایت از حزب‌الله و ادامه مبارزه علیه صهیونیسم است، بلکه پیامی محکم به دیگر دشمنان انقلاب و مقاومت ارسال می‌کند که ایران به عنوان رهبر این محور آماده است هر تهدیدی را با قدرت دفع کند.

- تسویه‌حساب‌های سیاسی**

گروه دوم که به نظر می‌رسد از سوی برخی طیف‌های سیاسی داخلی هدایت می‌شود، هدفی متفاوت از تحریک احساسات انقلابی دارد. این گروه با تکیه بر این حادثه و تحریک فضا به دنبال بهره‌برداری از فرصت برای تضعیف رقبای و تسویه‌حساب‌های سیاسی است. در این میان برخی چهره‌ها که هنوز انتخابات‌برایشان تمام نشده به نظر می‌رسد تلاش دارند از شهادت سیدحسن نصرالله برای تحت فشار قرار دادن رقبای سیاسی استفاده کنند. این طیف با ایجاد فضای هیجانی و الفت‌ای این تصور که ایران باید فوراً وارد عمل شود، سعی دارد تصویری از نهاد‌های امنیتی به نمایش بگذارد که در پاسخ به این حادثه ناکارآمد و ضعیف عمل کرده‌اند. در واقع آنها به جای ارائه تحلیل دقیق از شرایط منطقه و استراتژی‌های جنگی به دنبال ایجاد بحران‌های داخلی از طریق تهییج افکار عمومی‌اند. عدم ارائه دیدی کلان از اتفاقات

در شرایط فعلی سوال اصلی که مورد توجه قرار دارد این است که محور مقاومت باید چه رفتاری در مواجهه با حملات رژیم نشان دهد، ایران نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین کشورهای حامی مقاومت باید چه رفتاری نشان دهد که هم منجر به تضعیف آن نشود و هم توازن منطقه به نفع مقاومت تغییر کند. برای بررسی بیشتر ابعاد این پاسخ با حمیدرضا غلام‌زاده، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که متن آن را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

- اقدامات رژیم از سرضعف است نه قدرت**

حمیدرضا غلام‌زاده ابتدا به این موضوع اشاره کرد که پاسخ احتمالی ایران به جنایات رژیم باید همراه با همه نیروهای مقاومت باشد، وی گفت: «طبیعتاً در حال حاضر افکار عمومی مطالبه انتقام و برخورد را دارد اما لزوماً قرار نیست این انتقام برای دل جلوه‌ها یا یک اقدام مجزوله باشد اما باید اقدامی باشد. مسأله این است که توازن و موازنه قوا و صحنه تنازعی که در آن هستیم باید دوباره به سمت ما برگردد و ورزش به سمت ما و جبهه مقاومت باشد. الان این توازن به هم خورده است. تعدادی از فرماندهان و رهبری مثل سید حسن نصرالله که شاید نفر دوم جبهه مقاومت حساب می‌شود، ترور شدند و ضربه خوردند پس حتماً باید نسبت به این ضربه سنگین واکنشی درخور این اتفاقات باشد. نکته اینجاست که رژیم صهیونیستی الان از سر ناچاری و تاگزیری این اقدامات را انجام می‌دهد به مثابه کسی که گوشه رینگ گیر کرده است و احساس حیات و موات خود را دارد و سعی می‌کند هر آنچه از دستش بر می‌آید انجام دهد که اگر خودش هم از بین می‌رود، به طرف مقابلش هم سنگین‌ترین ضربه‌ها را بزند، شاید از مرگ خودش جلوگیری بشود. لذا اقداماتی که انجام می‌دهد از سر قدرت نیست از سر ضعف است. ولی قرار نیست در این شرایط بیرگدار به آب بزنیم و اقدامی حساب نشده به نفع طرف مقابل انجام دهیم که صحنه به نفع طرف مقابل شود.»

- رژیم به دنبال اختلاف‌افکنی بین کشورهای محور مقاومت است**

غلام‌زاده به یکی از اهداف رژیم در ترور فرماندهان مقاومت اشاره کرد و گفت: «کاری که به اصطلاح رژیم انجام می‌دهد این است که سعی می‌کند بین جبهه مقاومت فاصله ایجاد کند؛ هم فاصله هم اختلاف. از یک طرف عملیات روانی ایجاد می‌کند که ایران پشت حزب‌الله را خالی کرد، غزه را فراموش کردند. این ادبیاتی که ایجاد می‌شود به دنبال این است که جنگ روانی برای جبهه مقاومت ایجاد کند و افکار عمومی را هدف قرار دهد. از آن طرف هم سعی می‌کند این انسجام را بشکند. اصل ورود حزب‌الله، یمن و بقیه جبهه مقاومت دفاع از مردم فلسطین و غزه بود که چون آنجا جنگ بود؛ اینها هم شروع به حمله کردند که این درگیری هم چند جانبه بشود. مزاحمت و درگیری برای رژیم ایجاد شود که کمتر به غزه آسیب برساند. کاری که الان رژیم انجام می‌دهد این است که سعی می‌کند این بازیگران را از یک‌دیگر فاصله دهد و جدا بیندازد و در عملیات اینها شکافی ایجاد کند. لبنان را می‌زند، سوریه را می‌زند، یمن را می‌زند، خب طبیعتاً نباید ساده با این موضوع برخورد کرد. کاری که ایران باید بکند این است که پاسخ جدی بدهد.

این پاسخ نباید فقط از طرف ایران باشد. به نظر می‌رسد که این پاسخ باید چند جانبه باشد و همین ویژگی را در خودش لحاظ کند، ویژگی‌ای که از آن برهیز دارد این جبهه منسجم و متحد همراه با همدیگر کار کند، ما باید دوباره به این حالت برگردیم و بتوانیم همراه با همدیگر کار بکنیم لذا باید اقدامی از وجوه مختلف و جوانب مختلف از جمله یمن، لبنان، عراق، سوریه و خود ایران اتفاق بیفتد و باید بدون تعارفات هم باشد. اینکه صرفاً نمایش قدرت باشد یا با هماهنگی قبلی رخ دهد، از ویژگی

حمیدرضا غلام‌زاده از استراتژی اختلاف‌افکنی بین محور مقاومت گفت جنگ غیر نظامی صهیونیست‌ها

بازار زندگی کم خواهد کرد. دیگر ما این مجال را نداریم. شاید زمان وعده صادق چنین فرصت‌هایی بود الان دیگر نیست. از ترور فرمانده‌های ایرانی و شهید اسماعیل هنیه به ترور شهید سید حسن نصرالله رسیده است.»

- اسرائیل همه داشته‌هایش را به میدان آورده است**

غلام‌زاده به این موضوع اشاره کرد که رژیم در حال حاضر دیگر یک بازیگر عقلانی نیست، وی گفت: «یک نکته این است که اگر رژیم به صورت زمینی وارد لبنان بشود و درگیری زمینی ایجاد کند حتماً مثل غزه برایش بحران را خواهد بود ولی الان به‌عنوان کسی که گوشه رینگ گیر کرده و تهدید وجودی احساس می‌کند، دیگر بازیگر عقلانی نیست، بازیگری است که تمام داشته‌هایش را می‌آورد و سعی می‌کند که با تمام قدرتش شدت عمل به خرج دهد که طرف مقابل را منصرف کند. این صحنه‌ای است که ما در واکنش با آن روبه‌روسیم و باید سعی کنیم هم ضربه بزنیم که پاسخ داده باشیم، قدرت سخت‌مان برقرار بشود، قدرت نرم اینها بشود، بازآزندگی و موازنه قدرت هم دوباره احیا و موازنه مطلوب ما بشود و این کار را باید با همکاری کل شبکیه مقاومت انجام دهیم.»

- اسرائیل دیگر دنبال چراغ سبز آمریکا هم نیست**

غلام‌زاده به این موضوع اشاره کرد که اسرائیل دیگر برای انجام اقداماتش با آمریکا همراهی نمی‌کند، وی افزود: «تکیه و استناد به وعده غربی‌ها از اساس غلط است. چه غربی‌ها چه نهادهای بین‌المللی. به عنوان یک فرآیند دیپلماتیک محکوم کردن در مجمع عمومی، حرف زدن در شورای امنیت، در شورای حقوق بشر، رایزنی با کشورهای مختلف؛ همه اینها خوب و لازم است اما اینها گام‌های اصلی نیستند. اینکه تصور کنیم آمریکایی‌ها می‌توانند رژیم صهیونیستی را وادار به آتش‌بس بکنند، ناشی از عدم درک صحنه است. شرایط به نحوی نیست که رژیم صهیونیستی بخواهد حرف آمریکا را گوش کند بلکه برعکس سعی می‌کند کاری کند که آمریکا همراه رژیم حرکت کند. آمریکا نمی‌تواند رژیم صهیونیستی را رها کند پس هرکاری بخواهد بدون چراغ سبز آمریکا انجام می‌دهد ولی بعد آمریکا حمایت می‌کند و از آن تصمیم نبعیت می‌کند. تصمیم درباره این موضوع یک سال دو سال و اینها نیست، چند دهه است که این اتفاق دارد رخ می‌دهد. لذا

از ابتدا این اجتناب غلط بوده اتفاقاً باید پاسخ می‌دادیم و براساس پاسخ حالا زمینه‌چانه‌زنی را فراهم می‌کردیم که اگر آتش‌بس نشود ما بدرت خواهیم زد. این چیزی است که دیپلماسی باید به دنبال آن می‌بود. دیپلماسی باید براساس قدرت میدان رایزنی می‌کرد، نه اینکه میدان را متوقف بکند. صرفاً به رایزنی دیپلماتیک بسنده کند. رایزنی‌های دیپلماتیک لازم و ضروری‌اند اما اولویت و کافی نیستند. بحث اجماع‌سازی‌های بین‌المللی را شکل می‌دهند. ولی در عمل هیچ کدام فایده ندارد، شورای عالی امنیت سازمان ملل قطعنامه علیه رژیم صهیونیستی را صادر کرد. دقیقاً هیچ اثری نداشت. دادگاه بین‌المللی حکم داد، هیچ اثری نداشت. این همه کشور محکوم کردند، هیچ اثری نداشت. اساساً اینها کارهای تشریفاتی و مکمل هستند. بله، باید اقدامات دیگری انجام بشود. در این فضا‌های سیاسی هم از این ظرفیت‌ها برای تضعیف رژیم صهیونیستی و کم‌کم مشروعیت‌زدایی ظاهری که در سطح دنیا وجود دارد، استفاده کنیم. آن موقع می‌شود از این ظرفیت‌ها استفاده کرد. ولی اینها اولویت دوم هستند، مکمل اصل میدان جهاد و تلاش هستند که این‌را باید حتماً لحاظ کرد، حتی اگر بخواهیم استناد تاریخی هم بکنیم در دوره ای‌ها نباید اصل ماجرای سقوط از میارزات بود. بعد این اقدامات که حالا سازمان ملل دیگر هم به رسمیت نمی‌شناسند در رویدادهای بین‌المللی آنها راه را نه‌دهند، بعد از آن به عنوان مکمل اضافه شدند وگرنه هیچ وقت آن رژیم بدون این فشارها، بدون فشارهای عملی و صرفاً با فشارهای دیپلماتیک تسلیم نخواهد شد. بلکه اتفاقاً وقیح‌تر می‌شود و همچنان به راه خودش ادامه می‌دهد و سازمان ملل فقط بیانه صادر می‌کند و هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد.»



تحلیل دقیق و استراتژیک از وضعیت دارد. نخست باید به این نکته توجه داشت که محور مقاومت و ایران همواره در مواجهه با اسرائیل و دیگر تهدیدات منطقه‌ای، از استراتژی‌های دقیق و برنامه‌ریزی شده استفاده کرده‌اند. ورود ناگهانی به یک جنگ یا پاسخ فوری بدون تحلیل دقیق، نه تنها می‌تواند به نتایج نامطلوبی منجر شود، بلکه ممکن است منافع راهبردی ایران و مقاومت را به خطر بیندازد. افزون بر این، هرگونه اقدام نظامی ایران باید در راستای یک استراتژی گسترده‌تر و بلندمدت‌تر باشد. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، رسانه‌ای و نظامی مختلف، پاسخ بهتری به این حادثه بدهد. توضیح راهبردهای جنگی و افتاح افکار عمومی نسبت به اینکه ایران درحال انجام اقداماتی هوشمندانه و بلندمدت است می‌تواند بخش مهمی از این پاسخ باشد. این رویکرد نه تنها موجب فرونشاندن احساسات و هیجانات مقطعی می‌شود، بلکه از ایجاد فضای انقلابی و نامطلوب در بدنه انقلابی هم جلوگیری می‌کند. در شرایط حساس کنونی، ایران باید با دوری از شتاب‌زدگی و تصمیمات هیجانی، از تحلیل دقیق و عقلانی بهره بگیرد. گروه‌هایی که به دنبال تحریک احساسات انقلابی‌اند باید درک کنند که حفظ استحکام و تداوم مقومات نیازمند رویکردی استراتژیک است. همچنین آن دسته از چهره‌های سیاسی که با استفاده از فضای احساسی درپی تسویه‌حساب‌های داخلی‌اند باید از سوء استفاده از شرایط بحرانی خودداری کنند و منافع ملی و منطقه‌ای را در اولویت قرار دهند. حفظ روحیه انقلابی و تقویت محور مقاومت، همواره از اولویت‌های جمهوری اسلامی بوده و است، حضور سردار نیلغروشان در بین شهدای همراه سید حسن نصرالله نمونه‌ای از همین امر است.

- دلسوزان سیدحسن نصرالله وصیتنامه او را هم بخوانند**

کسانی که از روی محبت به سید حسن نصرالله و نه صیانت از منافع جناحی رویکردی احساسی درپیش گرفته‌اند و بعضاً نسخه‌های غیرمنطقی و بدون پشتوانه فکری را تجویز می‌کنند، بهتر است متن وصیت‌نامه سید حسن نصرالله را با دقت مورد توجه قرار دهند. شهید در وصیت خود نوشته بود: «توصیه می‌کنم که برای خیر دنیا و آخرت، ایمان‌تان به رهبری حضرت امام خاتمانه (دام‌طله) محکم و قوی باشد.» از آنجا که رهبر انقلاب نیز به عنوان فرمانده کل قوا در جریان امور نظامی ایرانند، حامیان مقاومت باید با اعتماد به تصمیم‌گیری کلان کشور که به اطلاع ایشان می‌رسد نه یک قدم جلوتر از ایشان حرکت کنند و نه یک قدم عقب‌تر.